



نگاهی به فیلم «ناشناس» دستاوردسازی سینمایی عربستان برای اصلاحات در حوزه زنان



بعد از قدرت گرفتن بن سلمان در عربستان و از میان برداشتن مخلفینش، تغییراتی در سبک زندگی اجتماعی و قوانین عربستان اتفاق افتاد که از آن به‌عنوان اصلاحات بن سلمان یاد می‌شود. یکی از این تغییرات، زیادت‌ر کردن به‌اصطلاح آزادی‌های زنان در جهت مثلاً غربی‌تر شدن بود.البته چنان‌که در ادامه توضیح می‌دهیم، تمام این تغییرات بدون زیرساخت‌های واقعی بود و بیشتر برای پز آزادی و نگاه جنسیت‌زده به زنان جلو رفت، نه بستری برای بالاتر رفتن سطح رفاه و تحصیلات زنان عربستان.

فیلم «ناشناس» ساخته «حیفا المنصور» محصول سال ۲۰۲۵ عربستان سعودی است.امروز که نگاه‌ها به‌خاطر ستون‌های دود آرامکو به‌سمت ریاض است، ناشناس سعی دارد روایتی جنایی از این شهر را به مخاطبینش نشان بدهد.

داستان دختر ناشناس

داستان فیلم ناشناس، در مورد زنی مطلقه به نام «نوال» است که به تازگی در پاسگاه پلیسی در شمال ریاض، به‌عنوان کسی که پرونده‌ها را اسکن می‌کند و از روشنان کیمی می‌گیرد، مشغول به کار شده است. خانواده نوال جزو قشر مرفه هستند و از اینکه دخترشان بعد از طلاقش تنها زندگی می‌کند و او به‌پاسگاه پلیس کار می‌کند، ناراضی‌اند و انتظار دارند او هم مانند شوهر سابقش که نامزد کرده، فکری به حال زندگی خودش بکند و هر چه زودتر شوهر کند.

ریز یوز پرونده دختری که کشته شده و در بیابان رها شده، زیر دست نوال می‌آید. او که به‌خاطر علاقه به یک اینفلوئنسر آرایشی که پادکست جنایی هم تولید می‌کند، به پرونده‌های جنایی علاقه‌مند است، توجهش به این پرونده خاص جلب می‌شود.

سرانجام نوال در دختر و خانواده‌اش را می‌زند و در حل این پرونده، به‌اصطلاح از کل ایستگاه پلیسی که در آن کار می‌کند، موفق‌تر عمل می‌کند. در نهایت وقتی نوال مثلاً ایستگاه پلیس را برای ثبت‌نام در دانشگاه افسری رها می‌کند، رئیس پلیس خیلی اتفاقی می‌فهمد که نوال خود قاتل است و دختر را چون نامزد همسر سابقش بوده کشته و سعی کرده این قتل را ناموسی نشان بدهد و در این راه موفق شده همه را گول بزند!!

کمک اینفلوئنسر آرایشی، جنایی

از ابتدای داستان مخاطبین می‌بینند که نوال به شدت تحت‌تأثیر یک اینفلوئنسر آرایشی است که پادکست‌های جنایی هم تهیه می‌کند تا دنبال کنندگان‌ش را بالا ببرد!!

نوال در ادامه قدم در راه اینفلوئنسر محبوبش می‌گذارد و پله پله آرایش صورتش و پرونده جنایی را با راهنمایی‌های او جلو می‌برد!

جالب است که رئیس نوال که پاسگاه را اداره می‌کند هم از طرفداران این زن اینفلوئنسر است و مدام با نوال در مورد پادکست‌های او صحبت می‌کند!

از دیگر عجایب فیلم ناشناس، این مسئله است که در همان پاسگاه، یک زن تحصیل کرده و محجبه هم کار می‌کند ولی کل پاسگاه و به‌ویژه این پرونده خاص، روی انگشتش نوال می‌چرخد و او به‌عنوان یک زن بی‌سواد که تخصص خاصی جز اس‌کن کردن پرونده‌ها ندارد، به راحتی به صحنه جرم برده می‌شود و حتی جزئیات پرونده پزشکی قانونی را بپیگیری می‌کند!!

این عدم آگاهی یا جهالت‌سازنده نسبت به روندهای اداری که در هر سیستمی وجود دارد و مخصوصاً در کشوری مانند عربستان که زنان تازه و به‌صورت محدود وارد بخش اداری شده‌اند، قابل توجه است.

گویی سزنده بدون هیچ اطلاع یا حتی تحقیقی، فقط از روی چند فیلم و سریال جنایی درجه دو غربی و تخیلات سطح پایین خودش، خواسته فیلم بسازد و نتیجه‌اش شده ناشناس.

زنان پر باد و مردان بی‌ماه

در فیلم ناشناخته می‌بینیم که زنان صرفاً با جنسیت‌شان شناخته می‌شوند و تأکید نوال به‌عنوان شخصیت اول ماجرا روی آرایش سنگین چهره‌اش، کاملاً در روند همین ماجرا ادامه پیدا می‌کند.

جالب است که هیچ کدام از همکاران مرد نوال از اینکه او چطور مدارکی را پیدا کرده که در مورد پرونده است، حساس نمی‌شوند و به توضیح او مبتی بر اینکه نمی‌داند چه کسی فرستاده، رضایت می‌دهند و ضریب هوشی‌شان نمی‌کشد که به این قضیه شک کنند!

از طرف دیگر مخاطبین می‌بینند که سزانه به‌اصطلاح می‌خواهد پیشرفت‌های مملکتش را در کنار قوانین سنتی و مذهبی دست‌وپاگیر نشان بدهد ولی تنها چیزی که می‌بینند، تناقض‌های بزرگ اعصاب خردکن است.

برای مثال مخاطبین می‌بینند که نوال به‌عنوان یک زن در عربستان رانندگی می‌کند، قوانین و سنت‌های خانوادگی را زیر پا می‌گذارد و زنی پیشرو در رسیدن به آرمان‌های فمینیستی محسوب می‌شود ولی از نقاط ضعف بزرگ همان سیستم به نفع نفیت شومش استفاده می‌کند.

مخاطبین در این فیلم می‌بینند که شبکه‌های اجتماعی غربی مانند نقل و نبات در گوشی پیر و جوان در عربستان پخش است ولی دختران عربستان حتی در دبیرستان هم هویت مستقل ندارند و به قول پلیس اثر انگشتشان جایی ثبت نیست تا اگر روزی کشته شدند، از روی آن شناسایی شوند!

واقعیت این است که سیستم اداری جنایی هیچ مملکتی را نمی‌شود از روی فیلم‌ها قضاوت کرد منتها با توجه به بر ملا شدن پیشرفت‌های پوشالی در چند سال اخیر عربستان، مخاطبین با دیدن همین یک فیلم هم می‌توانند متوجه شوند که صرفاً با پول پاشی نمی‌شود تخصص و پیشرفت و زیرساخت خرید و قُتل بودن دستگاه اجرایی عربستان که امروز می‌بینیم چطور به‌دست یمن ارتشش به باد رفته، در واقع از یک بی‌مایگی عمیق نشأت می‌گیرد که ظاهرش را به زور بزک کرده‌اند تا مدرن به نظر برسد.

سبک زندگی نه شرقی و نه غربی!

مخاطبین در فیلم ناشناس که اگر در طی داستان عنوان نشود، نمی‌توانند حدس بزنند که مکان داستان کشوری مسلمان است.

زنان در این فیلم یا پوشش‌های تزئینی زده‌اند و یا به‌شدت آرایش دارند و هیچ قید وبندی در مورد حجاب و پاکدامنی ندارند!

عجیب‌تر آنکه دختران نوجوان از عدم آزادی گزایه می‌کنند در حالی که بی‌حجاب در کافه‌ها می‌نشینند و قلیان دود می‌کنند و با جنس مخالف در ارتباط هستند!

سزانه‌د در فیلم ناشناس خواسته هم از آزادی‌های جدید که رسماً به شکل بی‌بند و باری از آن‌ها یاد کرده قدردانی کند و هم مثلاً بگوید که هنوز تا تصویر رؤیایی زنان آزاد در عربستان مسیر طولانی باقی مانده است.

در این بین هیچ جایی برای تصویر واقعی زن مسلمان با تمام نیازها و مشکلات واقعی‌اش که در کشوری مانند عربستان نادیده گرفته شده، وجود ندارد. شخصیت نوال مثلاً زنی امروزی و باهوش است ولی در عمل موجودی بی‌منطق، ناقص‌العقل و کینه‌ای و حقیر است که وقتی به‌خاطر مشکلات از همسرش جدا می‌شود، به جای پذیرش تمام شدن زندگی‌اش، به‌دنبال انتقام از همسر سابقش است و در مسیر این انتقام، به جای همسرش که قصد دارد دوباره ازدواج کند، از نامزد نوجوان او نسق می‌کشد!

روند بی‌منطق داستان تقریباً تا انتها مشخص نمی‌شود و در نهایت وقتی مخاطب می‌فهمد که نام نامزد دختر کشته شده همان‌ با همسر سابق نوال است او هر دو «محمد ابن عبدالله» نام دارند، یک‌مرتبه تمام گره‌های آبکی داستان همگی یک‌جا باز می‌شوند!

سزانه‌د از این‌جا به بعد با سرعتی بسیار زیاد مثلاً از قاتل باهوش که همه را سر کار گذاشته پرده برداری می‌کند و نشان می‌دهد که نوال دارد از شهر می‌گریزد. پایان‌بندی یکی از مهم‌ترین قسمت‌های یک داستان است که رسماً به کل داستان معنی می‌دهد ولی در ناشناس این پایان‌بندی به قدری بی‌سر و ته است که بعد از تمام شدن داستان، مخاطبین پیش خودشان می‌گویند خب بدش چه؟

این زن بدون هیچ تخصص یا سرمایه خاصی دقیقاً چطور می‌خواهد به این راه ادامه بدهد؟ معمولاً در فیلم‌های از این دست، شخصیت پنهانکار ماجرا، در انتهاای داستان با از هویت جدید خود در شهری دیگر پرده برداری می‌کند که در طول داستان به آن اشاراتی داشته و در مواقعی، برای محکم کاری حتی به‌سمت رفتن از آن کشور و شروع زندگی جدیدی در جای دیگر می‌رود ولی شخصیتی مانند نوال در پایان می‌خواهد چه کار کند؟

نه آن‌قدر سنتی است که به باده‌ها برود و ناشناس زندگی کند و نه این‌قدر مدرن که تخصصی داشته باشد و برود با هویت جدید در شهری دیگر شروعی دوباره داشته باشد. سزانه‌د در انتها پاسخ تمام این سوالات را تنها با دور شدن ماشین نوال در مسیر بیابانی می‌دهد!

یکی از مهم‌ترین قسمت‌های داستان‌های جنایی اینچنینی که قرار است در آن قاتل یا جنایتکار گیر نیفتند، قوی بودن نقشه قرار است. در فیلم ناشناس چنین قسمتی وجود ندارد و این مسئله نشان می‌دهد سزانه‌د فیلم ناشناس، نه‌تنها نمی‌تواند فیلم خوب بسازد که حتی فیلم خوب هم تا به حال نشده است تا با الهام گرفتن از آن، سسر و شکل منطقی تری به فیلم خود بدهد.

فیلم ناشناس در ساینه‌های مخصوص مخاطبین، نمرات بسیار پایینی را نصیب خود کرد و این مشخص می‌کند روایت زن قاتل پاسگاه پلیس ریاض، هیچ جذابیتی برای مخاطبین نداشته است.



خودش فیلم می‌سازد، خودش جشنواره برگزار می‌کند و در آن به فیلم‌های خودش جایزه می‌دهد! به‌طور مثال، جایزه بزرگ جشنواره به فیلم «مزامیر اندوه» به تهیه‌کنندگی مجید



بزرگ رسید که از اعضای شورای تولید انجمن سینمای جوانان است.

جوایز بهترین فیلمنامه و فیلم‌برداری نیز به فیلم «اسیب‌بدیگی» تعلق گرفت که تهیه‌کننده آن، محمدرضا همایون، از کارشناسان معاونت تولید انجمن است.

همچنین سیامک سلیمانی، کارشناس معاونت تولید انجمن، جایزه بهترین تدوین را دریافت کرد.

همچنین حضور ارش رصافی، معاون سابق تولید انجمن، و هادی مقدم‌دوست، از اعضای شورای تولید این مجموعه، در هیئت داوران بخش داستانی نیز این دوره از جشنواره فیلم کوتاه را به یک دوره‌می درون‌خانوادگی شبیه ساخت.

مسئلاً هم‌زمانی ارتباط برخی برگزیدگان با انجمن و حضور افراد مرتبط با این مجموعه در ترکیب داوران، شائبه‌هایی درباره استقلال فرایند داوری ایجاد می‌کند، که اگر داوری‌ها به‌صورت واقعاً عادلانه هم بوده باشد باز حضور این افراد در فهرست جوایز شائبه‌برانگیز است.

راهبرد جشنواره فیلم کوتاه چیست؟

مجموع این انتقاده‌ا، از وضعیت عفاف و حجاب و محتوای برخی فیلم‌ها تا اعتراض به انتخاب آثار و بحث درباره داوری‌ها، مجموعه‌ای از مسائل را پیش روی برگزارکنندگان چهل‌وسومین جشنواره فیلم کوتاه تهران قرار می‌دهد.

اما همچنان بحث اصلی پیرامون جشنواره فیلم کوتاه تهران، جزئیات و آثار جشنواره نیست، مسئله راهبردی این جشنواره است. اساساً این جشنواره بر چه اهدافی استوار است؟ چه نتایجی را دنبال می‌کند؟ و در طول این سالیان سال، چقدر توانسته است که به اهداف خود برسد؟



دوره کمک کند. کارگردان فیلم همچنین با اشاره به شهید جاویدالاثر امیر نوری از مسجدسلیمان، بر ظرفیت روایت زندگی شهدایی تأکید می‌کند که همچنان کمتر در آثار سینمایی و فرهنگی حضور داشته‌اند.

الگوی برای نوجوان امروز

امیررضا فارمازی، بازیگر نقش شهید طفر خالدی نیز درباره تجربه ایفای این نقش به خبرنگار کیهان می‌گوید: طفر خالدی نقشی بود که واقعاً از ته دل دوستش داشتم. برای من جالب بود که این شخصیت را بازی کنم. این اولین کار دفاع مقدسی من نبود، اما تجربه‌ای متفاوت بود. او با اشاره به ویژگی شخصیتی شهید خالدی می‌افزاید: شهید طفر خالدی نشان داد که غیرت به سه‌وسال نیست؛ غیرت این است که بتوانی از خانواده، ناموس و وطن دفاع کنی. از او یاد می‌گیریم که پای خواسته‌هایمان و کشورمان بایستیم. پرداختن به زندگی شهیدی که هنگام شهادت تنها ۱۱ و ۶ ماه داشت، ظرفیت ارتباط با مخاطب نوجوان را دارد. با این حال، ماندگاری چنین روایتی به مرحله پس از تولید آثار فرهنگی جدید نیز وابسته است. ارکان‌های دانش‌آموزی، نشست‌های گفت‌وگومحور و استفاده از ظرفیت مراکز فرهنگی می‌تواند ارتباط مخاطبان جوان با این اثر را تقویت کند.

ضرورت حمایت از ارکان

رحیمی با بیان اینکه فیلم آن‌طور که انتظار داشته‌ش مورد توجه قرار نگرفته است، می‌گوید: انتظارم این است که مدیران، دست‌کم در استان‌های خوزستان و چهارمحال و بختیاری، فیلم را ببینند و به آن توجه کنند؛ به‌ویژه برای نوجوانان که طفر خالدی می‌تواند الگوی خوبی برای آن‌ها باشد. این درخواست، ضرورت توجه به مرحله پس از تولید آثار فرهنگی را یادآوری می‌کند. ساخت فیلم، بدون برنامه‌ریزی برای ارکان و معرفی هدفمند، لزوماً به دیده شدن آن منجر نمی‌شود. در این میان، ظرفیت مساجد، مدارس و مجموعه‌های فرهنگی می‌تواند به گسترش دامنه مخاطبان چنین آثاری کمک کند.

«آن دو» با روایت زندگی دو برادر شهید، فرصتی برای بازخوانی قصه‌هایی فراهم می‌کند که هنوز در حاشیه روایت‌های آشنای دفاع مقدس قرار دارند.

اهمیت این فیلم، علاوه بر بازنمایی ایثار و شهادت، در یادآوری این نکته است که تاریخ جنگ تنها به فرماندهان و عملیات محدود نمی‌شود؛ زندگی نوجوانان، خانواده‌ها و مردمی که درگیر این تجربه تاریخی بوده‌اند نیز بخشی از حافظه جمعی ایران است.

سینمای مستقل یا وابسته به نهادها و جشنواره‌های خارجی؟

محور دیگر انتقاده‌ا، نسبت فیلم‌های حاضر در جشنواره با مفهوم سینمای مستقل است. سیدعلی سسیان، سردبیر مجله سوره، در یادداشتی با عنوان «جشنواره فیلم کوتاه و سینمای مستقل»، این عنوان را برای بخشی از

گزارشی از چهل‌وسومین جشنواره فیلم کوتاه تهران



درباره معیارهای انتخاب آثار گفت: «معلوم نیست با چه متر و معیاری این همه فیلم ضعیف را برای بخش مسابقه انتخاب کرده بودند.» او همچنین احتمال داد که انتخاب‌ها با ناشی از ضعف کارشناسی بوده یا تحت تأثیر سفارش‌ها و روابط پشت‌پرده قرار گرفته است. توحیدپرست در بخش دیگری از این گفت‌وگو، از برخی فیلم‌ها به دلیل آنچه محتوای ضملی آن‌ها می‌دانست، انتقاد کرد و خواستار فراهم شدن امکان نمایش آثار معترض برای منتقدان شد تا درباره درستی یا نادرستی اعتراض‌ها قضاوت کنند. او همچنین از بهروز شیمی خواست صدای معترضان را بشنود و در صورت احراز نادیده‌گرفته‌شدن حق فیلمی، موضوع را به‌صورت روشن پیگیری کند.

سیدان همچنین با انتقاد از آنچه جهت‌گیری برخی آثار به سمت جلب نظر جشنواره‌های خارجی می‌یاند، به رواج موضوع مهاجرت و استفاده از زیرنویس و تیتراژ به زبان‌های خارجی



گفت‌وگو با عوامل فیلم «آن دو»

سینمای دفاع مقدس از کدام قهرمانان غافل مانده است؟

اهواز- خبرنگار کیهان:

فیلم سینمایی «آن دو» با روایت زندگی شهید طفر خالدی، خردسال‌ترین شهید رزمنده دفاع مقدس، و برادرش خدارحم، به سراغ بخشی کمتر روایت‌شده از تاریخ جنگ رفته است؛ قصه دو برادر بختیاری که در عملیات رمضان سال ۱۳۶۱ در آغوش یکدیگر به شهادت رسیدند و پیکرهایشان ۱۷ سال بعد شناسایی شد. ارکان این فیلم در اهواز، فرصتی برای بازخوانی ظرفیت سینما در معرفی قهرمانان کمتر شناخته‌شده جنگ به نسل نوجوان است.

ارکان مردمی فیلم سینمایی «آن دو» با حضور مرتضی رحیمی، نویسنده و کارگردان، و امیررضا فارمازی، بازیگر نقش شهید طفر خالدی، به همت دبیرخانه ارکان مردمی عمار خوزستان و مجموعه مساجد فعال استان در سینما بهمن اهواز برگزار شد.

مرتضی رحیمی، نویسنده و کارگردان فیلم، درباره انگیزه ساخت این اثر به خبرنگار کیهان، می‌گوید: جذابیت این فیلم برای من این بود که به زندگی یکی از شهدای کمتر شناخته‌شده دفاع مقدس می‌پردازد؛ شهیدی که نه فرمانده بوده و نه قصه زندگی‌اش آن‌طور که باید روایت شده است. او با اشاره به زندگی شهید طفر خالدی و برادرش خدارحم می‌افزاید: دو برادر از دل عشایر چهارمحال و بختیاری به خوزستان می‌آیند و در آغوش هم به شهادت می‌رسند. این قصه برای من جذاب بود، چون می‌تواند بخشی از زندگی شهدایی را روایت کند که کمتر به آن‌ها پرداخته شده است. تمرکز بخش مهمی از سینمای دفاع مقدس بر فرماندهان و چهره‌های شناخته‌شده، ضرورت توجه به زندگی رزمندگان عادی و خانواده‌های آنان را برجسته می‌کند. «آن دو» با انتخاب یک نوجوان به‌عنوان شخصیت محوری، می‌کوشد تصویری انسانی‌تر از تجربه جنگ ارائه دهد؛ روایتی که قهرمانی را نه فقط در میدان نبرد، بلکه در زندگی کوتاه و سرنوشت یک نوجوان جست‌وجو می‌کند.

پیوند اقوام در روایت جنگ

رحیمی با تأکید بر ظرفیت فرهنگی داستان می‌گوید: این فیلم از قوم بختیاری شروع می‌شود و به دل اعراب خوزستان می‌رود. در واقع، قصه آن به یک قوم محدود نیست و درباره مردم و اقوام مختلفی است که در دفاع از کشور کنار هم قرار گرفتند. این ویژگی، «آن دو» را به روایتی فراتر از زندگی دو شهید تبدیل می‌کند. خوزستان با تنوع قومی و فرهنگی خود، یکی از مهم‌ترین جغرافیاهای تجربه دفاع مقدس است و بازنمایی پیوندهای میان اقوام می‌تواند به تقویت شناخت مشترک از تاریخ این



چهل‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران از ۲۵ تا ۳۰ مهرماه در پردیس سینماگاری ملت برگزار شد؛ روپدادی که در کنار نمایش آثار فیلم‌سازان ایرانی و همچنین خارجی، با جوشانی مختلفی درباره وضعیت عفاف و حجاب، محتوای فیلم‌های راه‌یافته به بخش مسابقه، کیفیت انتخاب آثار و بحث فرایند داوری

محمد محمدی افغان



همراه بود. یکی از موضوعاتی که در جریان برگزاری جشنواره توجه برخی حاضران را جلب کرد، وضعیت پوشش در فضای عمومی پردیس ملت بود که گویی هیچ ضابطه‌ای در کار نبوده است. همچنین نحوه پوشش در خود فیلم‌ها، نمایش داده‌شده نیز خود یک بحث جداگانه است که چگونه فیلمی با عدم رعایت ضوابط وارد جشنواره می‌شود و یا شاید اساساً چنین ضوابطی وجود ندارند و این اشتباه از امثال ما است که گمان می‌کنیم جشنواره با ضابطه است. در فیلم‌های جشنواره، سیگار کشیدن شخصیت‌ها گویی واجب شده است! در عموم آثار، شخصیت‌ها بارها سیگار می‌کشند و این تصویر گاه چنان تکرار می‌شود که انگار بخشی ثابت از فیلم‌سازی ما شده است. با این اوصاف، مشخص نیست این مسیر به کجا خواهد رفت، شاید قرار است به فیلم‌سازی دودی تبدیل شویم که مهم‌ترین لازمه تولید یک فیلم کوتاه، حضور بی‌حد و وصف دود باشد.

از آثار ضعیف تا فیلم‌های جامانده

در حوزه انتخاب آثار نیز انتقادهایی به جشنواره شده است. داود توحیدپرست، کارگردان سینما، در گفت‌وگو با کیهان، ضمن قدردانی از برگزارکنندگان جشنواره و اشاره به زحمات بهروز شیمی و همکارانش، عملکرد هیئت انتخاب را یکی از نقاط ضعف اصلی دوره امسال دانست.

او گفت: «فیلم‌ها و بازی‌های بهروز شیمی را دوست داشتم و دارم. از برگزاری جشنواره فیلم کوتاه هم تشکر و قدردانی می‌کنم؛ واقعاً تک‌تک دوستان دست‌اندرکار زحمات زیادی برای برگزاری این جشنواره کشیده‌اند، اما انتخاب هیئت انتخاب ناشی و غیرکارشناس حوزه سینما در فیلم‌های کوتاه، بزرگ‌ترین ضعف جشنواره امسال است.»

«قرارگاه جنگ»؛ شفاف و بی‌پرده

برنامه تلویزیونی «قرارگاه جنگ» محصول شبکه افق سیما، طی دوران «جنگ تحمیلی ۱۲روزه» و «جنگ رمضان» توانسته است به‌عنوان یکی از جریان‌سازترین برنامه‌های تحلیلی رسانه ملی، نقشی محوری در تبیین و روشنگری ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نبردهای اخیر ایفا کند.

پخش شبانه این برنامه با حضور صاحب‌نظران و کارشناسان مطرح و برجسته ملی و بین‌المللی، زمینه‌ساز جذب طیف گسترده‌ای از مخاطبان شده که خود گواهی بر غنای محتوایی و رویکرد تخصصی این مجموعه تحلیلی است. در شرایط جنگی کنونی، «قرارگاه جنگ» با واکاوی چندبعدی اتفاقات و ابهام‌زدایی از چالش‌های جنگ تحمیلی جبهه آمریکایی-صهیونیستی علیه ایران اسلامی، به ارتقای سطح آگاهی افکار عمومی و رشد دانایی رسانه‌ای جامعه کمک شایانی کرده است؛ رویکردی شفاف و بی‌پرده که در نوع خود در قاب سیما کم‌نظیر به شمار می‌رود. رضایت ملموس مخاطبان از این برنامه تحقیقی- تحلیلی نشان می‌دهد که «قرارگاه جنگ» در دستیابی به اهداف تبیینی خود در حوزه‌های امنیتی، نظامی و بین‌المللی کاملاً موفق بوده است. ابعاد یازاب جنایی این برنامه و خشم رسانه‌های معاند فارسی‌زبان از روشنگری‌های شبکه افق، گواه دیگری بر اثربخشی آن است.

انتقادات شدید شبکه‌های ضدایرانی همچون اینترنشنال، بی‌بی‌سی فارسی، صدای آمریکا، رادیو فردا و تریبون‌های منافقین از «قرارگاه جنگ»، اثبات می‌کند که این برنامه به معنای واقعی کلمه به سنگر خط مقدم جنگ روایت‌ها و خاکریز اول خنثی‌سازی جنگ روانی دشمن تبدیل شده است.

در برابر امپراتوری رسانه‌ای غرب که با پمپاژ اخبار مسموم و ساختگی در پی تضعیف اقتدار ملی است، «قرارگاه جنگ» با جدیت و تحلیل‌های دقیق، سناریوهای شوم دشمنان را خنثی کرده که شایسته تقدیر از عوامل و دست‌اندرکاران آن است. از سوی دیگر، بازنشر گسترده مقاطع کوتاه و نکات کلیدی این برنامه در فضای مجازی، گویای استقبال پرشور نسل جوان و اقشار مختلف جامعه است که جویای درک حقایق و تحلیل‌های واقعی هستند. تبیین ابعاد دیپلماتی در تهران، تحلیل اوضاع میدانی جنگ، بررسی آرایش نظامی دشمن آمریکایی- صهیونیستی در منطقه، واکاوی تحولات لبنان، یمن، عربستان و خلیج‌فارس و همچنین انعکاس توانمندی و ایستادگی نیروهای مقاومت، از ویژگی‌های بارز این برنامه است. در کنار این موضوعات، پرداختن به حماسه پایداری و تجمعات شبانه مردم در دفاع از میهن، «قرارگاه جنگ» را به نماد مقاومت رسانه‌ای تبدیل کرده است.

گفتار صریح، نقد متصفانه و پرهیز از پنهان کاری، اعتماد افکار عمومی را به این برنامه جلب کرده و آن را از یک اثر خبری صرف، به مجموعه‌ای پویا، سرنزده و خلاق ارتقا داده است. در حال حاضر «قرارگاه جنگ» تنها برنامه تخصصی- تحلیلی رسانه ملی در خصوص ابعاد نبردهای اخیر است که با ابتکارات، تکیه بر ارزش‌های دفاع مقدس، یاد شهدای جنگ ۱۲روزه و جنگ رمضان و همراهی با مردم حماسه‌آفرین گام برمی‌دارد. این برنامه با گوشون فضلی نو در تبیین واقعیت‌ها، همچنان روایت‌های ناگفته فراوانی برای مخاطبان در پیش خواهد داشت.

